

سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه

منبع: FINANCE & DEVELOPMENT, MARCH, 1999

مترجم: جلیل مبشری

مستقیم خارجی به حساب می‌آیند، با وجود این منابع سرمایه گذار مستقیم در کشورهای در حال توسعه تا اواسط دهه ۱۹۸۰ بیشتر از دو برابر شده است. همچنین کشورهای صنعتی به عنوان یک گروه سهم بیشتری از چنین سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده‌اند، اما سهم آنها به همان میزان که کشورهای در حال توسعه روز به روز به مقاصد جذابتری برای سرمایه گذاری تبدیل می‌شوند، کاهش می‌یابد. با وجود این توزیع سرمایه ورودی مستقیم خارجی در میان کشورهای در حال توسعه پگمان نیست. برای مثال، در سال ۱۹۹۷، کشورهای در حال توسعه در آسیا ۲۲ درصد، آمریکای لاتین و کارائیب ۱۴ درصد و آفریقا ۱ درصد از آن را به خود جذب کرده‌اند. لیکن در شرایط نسبی وضعیت متفاوت به نظر می‌رسد: سرمایه ورودی مستقیم خارجی که به عنوان نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بیان شده، در سال ۱۹۹۶ در آفریقا ۷ درصد بود، این میزان را با نرخ ۱۳ درصدی برای آمریکای لاتین و کارائیب و نرخ ۷ درصدی برای کشورهای در حال توسعه آسیا مقایسه کنید. به عبارت دیگر، آن‌طور که اعداد و ارقام به صورت مطلق بیان می‌کنند در شرایط نسبی جریان ورودی سرمایه گذاری در آفریقا اثر بیشتری بر کشورهای این قاره داشته است.

میلیارد دلار رسید. (اصولاً باید میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دنیا برحسب جریانات ورودی سالانه آن با میزان اندازه گیری شده برحسب جریانات خروجی سالانه آن برابر باشد. لیکن در عمل به خاطر تفاوتی موجود در روشهای ملی و شمول آن یکسان نیستند.)

افزایش در سرمایه گذاری مستقیم، مبنایی برای افزایش دادن تولید جهانی توسط سازمانهای بین المللی است - سازمانهایی که اکنون تقریباً ۳۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری برآورد شده نزد ۴۴۹ هزار بنگاه وابسته خارجی در سراسر دنیا دارند - میزان فروش این بنگاهها سریعتر از تجارت خارجی (صادرات جهانی) افزایش یافته و تقریباً به ۹/۵ میلیارد دلار رسیده است. به همان میزان که سرمایه گذاری مستقیم خارجی از نظر حجم افزایش یافته، این بنگاهها نیز در کشورهای مبدأ (سرمایه گذار خارجی) و کشورهای مقصد (سرمایه پذیر) گسترده تر شده‌اند. سهم کشورهای در حال توسعه از کل جریانات ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی از ۲۶ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳۷ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت، همچنین سهم این کشورها از کل جریان خروجی از ۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۲ درصد در سال ۱۹۹۷ رسید. شرکتهای مستقر در کشورهای صنعتی هنوز منبع اولیه سرمایه گذاری

یکی از ویژگیهای بارز اقتصاد بین الملل در دهه های اخیر رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) یا سرمایه گذاری در کشورهای خارجی توسط سازمانهای بین المللی با شرکتهای چندملیتی به منظور کنترل داراییها و اداره کردن فعالیتهای تولیدی در آن کشورها بوده است.

رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد سرمایه گذاری مستقیم خارجی، که اکنون تقریباً توسط ۵۲ هزار سازمان بین المللی انجام می‌شود، به سرعت رشد یافته است - سریعتر از رشد تجارت جهانی یا تولید جهانی - (جدول شماره ۱). در طول سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۷، جریان خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دنیا با نرخ متوسطی در حدود ۱۳ درصد در سال افزایش یافت. این نرخ را با نرخ متوسط ۷ درصدی برای صادرات جهانی کالا و خدمات و تولید ناخالص داخلی جهان (به قیمت جاری) در طول سالهای ۱۹۶۶-۱۹۸۰ سفایسه کنید. در سال ۱۹۹۸، جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دنیا برای هفتمین سال پیاپی افزایش یافت، همچنین در همین سال جریان خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز برای سومین سال متوالی افزایش یافته و به میزان ۲۴۰-۲۳۰

گرایشها در کشورهای در حال توسعه

باتوجه به نقش مهمی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سرعت بخشیدن به اصلاحات و رشد اقتصادی ایفا می‌کند کشورهای در حال توسعه شدیداً علاقه‌مندند آن را جذب کنند. به همین دلیل این کشورها قدمهایی را در جهت بهبود عواملی که از دید سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی در انتخاب محل سرمایه‌گذاری موثر هستند، برداشته‌اند. (جدول شماره ۲)

نوع رشد سالانه (درصد)	ارزش بر حسب قیمت‌های جاری (میلیارده دلار)	
	۱۹۹۶	۱۹۹۷
۱۹۹۷	۳۷۸	۳۰۰
۱۹۹۶	۳۳۲	۳۲۲
۱۹۹۱-۹۵	۲۰۱	۲۷۶
۱۹۸۶-۹۰	۱۵۱	۲۷۱
۱۹۸۶	۱۸۲	۲۲۵
۱۹۸۷	۲۱	۲۵۶
۱۹۸۸	۲۱	۲۲۶
۱۹۸۹	۱۶۳	۱۵۰
۱۹۹۰	۱۶۶	۲۱۰
۱۹۹۱	۱۸۲	۱۲۰
۱۹۹۲	۱۷۱	۲۰۵
۱۹۹۳	۱۲۵	۱۳۳
۱۹۹۴	۱۲۶	۱۲۶
۱۹۹۵	۱۲۶	۱۲۶
۱۹۹۶	۱۲۶	۱۲۶
۱۹۹۷	۱۲۶	۱۲۶

جدول ۱ - شاخصهای منتخب از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید بین‌المللی

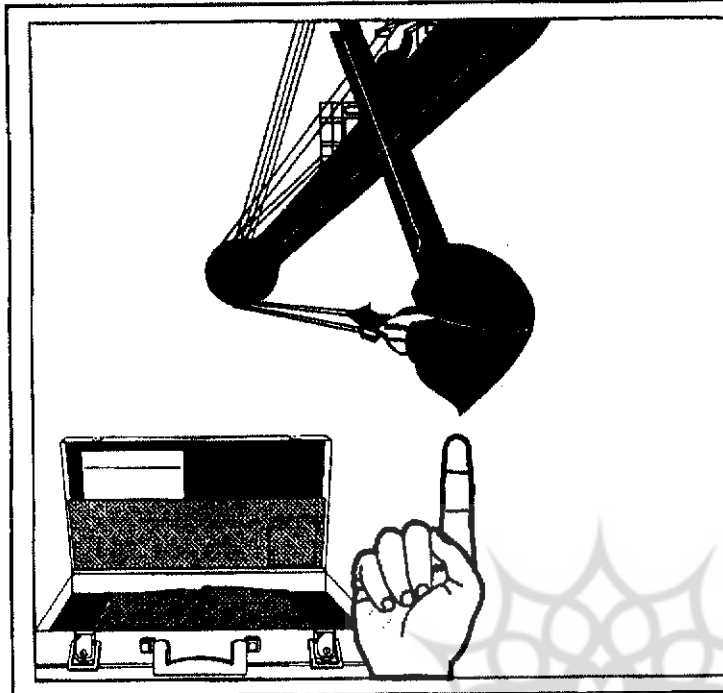
ساختار سیاسی

در طول دهه گذشته و قبل از آن کشورهای در حال توسعه، برای ایجاد یک ساختار تنظیمی مطلوب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شروع به اصلاح سیاستهای ملی خود از طریق منعطف کردن قوانین ورود به بازار و مالکیت خارجی و بهبود استانداردهای معامله مطابق با استانداردهای شرکتهای خارجی و بهبود عملکرد بازار، کرده‌اند. سیاستهای فوق مهم هستند زیرا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جایی که سرمایه‌گذاری ممنوع بوده و یا به شدت از آن جلوگیری می‌شود، به‌سادگی اتفاق نمی‌افتد. لیکن تغییر در این سیاستها ممکن است اثرات غیرمنتظره‌ای بر محل سرمایه‌گذاری (کشورهای میزبان) داشته باشد. تغییر در جهت رفع بیشتر موانع به شرکتهای اجازه می‌دهد تا در مکانهای خاصی تاسیس شوند، اما اینکه آنها چنین کاری را انجام خواهند داد را تضمین نمی‌کند. برعکس، تغییرات در جهت ایجاد موانع بیشتر (مثلاً ملی‌سازی یا منع ورود) کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تضمین خواهد کرد. ساختارهای سیاسی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها یکی از عوامل موثر در تعیین محل سرمایه‌گذاری در کشورهای میزبان است. همچنین این کشورها باید به سایر عواملی توجه کنند که تصمیمات سرمایه‌گذاران را در انتخاب محل سرمایه‌گذاری تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای مثال، سرمایه‌گذاران برانسجام میان سیاستهای متعددی تاکید می‌کنند که می‌تواند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تحت تاثیر قرار دهد. (پیرو، اتسجام میان سیاستهای اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سیاستهای بازرگانی). علاوه بر این، سرمایه‌گذاران در مورد قراردادهای سرمایه‌گذاری متقابل و توافقهای مالیاتی دوطرفه مذاکرات زیادی می‌کنند. در پایان سال ۱۹۹۷، ۱۵۱۳ مورد از قراردادهای

اهمیت آن برای کشورهای در حال توسعه خیلی بیشتر از آن است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها می‌تواند منبع قابل سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه باشد بلکه مهمتر از آن می‌تواند به‌خوبی به‌عنوان وسیله انتقال تکنولوژی تولید، مهارتها امکانات نوآوری و قراردادهای مدیریتی و سازمانی میان طرفین و همچون وسیله‌ای جهت دستیابی به شبکه بازاریابی بین‌المللی عمل کند. اولین فایده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود شرکتهایی است که این شرکتهای قسمتی از سیستم اقتصاد بین‌الملل (شامل شرکتهای مادر و بنگاههای وابسته) به‌حساب می‌آیند و یا اینکه از طریق توافقات خاصی به چنین سیستم‌هایی متصل هستند، البته در صورتی که شرایط مناسب باشد این شرکتهای می‌توانند به شرکتهای داخلی و یا نظامهای اقتصادی بزرگتر در کشور میزبان منتقل شود. دومین فایده آن این است که به‌عنوان شبکه تولید و توزیع بین بنگاههای خارجی وابسته و شرکتهای داخلی بوده و همچنین وسیله‌ای برای افزایش قابلیتهای شرکتهای داخلی در جذب سرمایه‌های اضافی (به‌عنوان اثرات غیرمستقیم) به‌خاطر حضور و رقابت شرکتهای خارجی باشند. شاید مهمترین فایده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این باشد که دسته از ویژگیهای آن که در افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری موثر هستند، گسترش خواهند یافت. باتوجه به این ویژگیها به‌خوبی استنباط می‌شود که چرا سیاستهای کشور میزبان برای سازمانهای بین‌المللی جهت استقرار فعالیتهایشان در یک کشور، به‌عنوان مهمترین مسئله مطرح می‌شود.

اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشورهای در حال توسعه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از منابع مهم تامین مالی خارجی و غیردولتی برای کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سایر انواع اصلی جریانهای خارجی و غیردولتی تامین سرمایه متفاوت است. در این روش در مورد کسب سود بلندمدت و تحت کنترل بودن مستقیم فعالیتهای تولیدی توسط سرمایه‌گذاران تبلیغات زیادی می‌شود. همچنین برعکس سرمایه‌گذاری در بانک و سبد سهام، در فعالیتهایی که مستقیماً تحت کنترل بانک یا صاحبان سهام است، سرمایه‌گذاری نسبی می‌شود - یعنی سرمایه‌گذاریهایی که اغلب در آنها انتظار کسب سود کوتاهمدتی تبلیغ می‌شود که می‌تواند تحت تاثیر عوامل متعددی (از قبیل نرخ بهره) قرار گیرد - برای مثال این تفاوتها می‌تواند از یک طرف به‌وسیله الگوی سرمایه‌گذاری در بانک و سرمایه‌گذاری متعادل در سبد سهام و از طرف دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای آسیایی که در سال ۱۹۹۷ دچار بحران مالی شده‌اند مشخص شود: جریانات سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۹۹۷ به پنج کشوری که تحت تاثیر بیشتر بحران مالی قرار داشتند، در تمام حالات مثبت باقی ماند و تنها در کل، اندکی کاهش یافت، در حالی که جریانات سرمایه‌گذاری در بانک و سرمایه‌گذاری متعادل در سبد سهام به‌شدت کاهش یافت و حتی در سال ۱۹۹۷ رشد منفی داشت. اگرچه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حاکی از سرمایه‌گذاری در تجهیزات تولیدی است اما



سرمایه گذاری مستقیم خارجی از اوایل دهه ۸۰ رشد چشمگیری داشته است.

یکی از ویژگیهای اقتصاد بین الملل در دهه های اخیر سرمایه گذاری شرکت های چند ملیتی در کشورهای خارجی با هدف کنترل داراییها و فعالیتهای تولید در آن کشورها بوده است.

کشورهای در حال توسعه علاقه مندند سرمایه گذاری مستقیم خارجی را جذب کنند چرا که نقش مهمی در سرهتجشیدن به اصلاحات و رشد اقتصادی دارد.

ساختارهای سیاسی برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی تنها یکی از عوامل موثر در تعیین محل سرمایه گذاری در کشورهای میزبان است.

روزبه روز استراتژی های جدیدی را جهت افزایش توان رقابتی خود اتخاذ می کنند، در حال تغییر است.

ترکیب شدن آزادسازی تجاری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تغییرات تکنولوژی با خصوصی سازی و اصلاحات نه تنها قابلیت شرکتها را در دستیابی به بازار کالاها و خدمات و ثابت نگهداشتن عوامل تولید بهبود داده است بلکه موجب شده است تا فشارهای رقابتی در بازارهای حمایت شده افزایش یافته و شرکتها مجبور شوند تا داراییهای خارجی و بازارها و منابع جدیدی را جستجو کنند. در همین حال، پیشرفتهای تکنولوژیک توانایی شرکتها را در هماهنگ کردن شبکه های بین المللی محصول افزایش داده است. شرکتها روزبه روز در حال گسترش مجموعه ای از داراییهای محلی (منابع انسانی، زیرساختها، دسترسی به بازار) هستند تا بدینوسیله تواناییهای خود را جهت بهبود موقعیت رقابتی شان تکمیل کنند. مادامی که انگیزه های سستی مربوط به سرمایه گذاری مستقیم خارجی (جستجوی بازار - جستجوی منابع - و جستجوی کارایی) بر طرف نشده اند، همچنان با استراتژی های گسترده تر بهبود رقابت شرکتها آمیخته می شوند این استراتژی از استراتژی های یکپارچه سستی که مبتنی بر تولید

سرمایه گذاری در این کشور می شوند. همچنین مشوقهای مالی یا مالیاتی نیز برای جذب سرمایه گذاران مورد استفاده قرار می گیرند هرچند که معمولاً سرمایه گذاران در انتخاب محل سرمایه گذاری تنها زمانی به این مشوقها توجه می کنند که معیارهای اقتصادی در جریان باشند.

معیارهای اقتصادی

مهمترین معیار برای انتخاب محل سرمایه گذاری مستقیم خارجی، هنگامی که یک ساختار مناسب سیاسی برای آن فراهم شده باشد، ملاحظات اقتصادی هستند که مهمترین نقش را بعد از آن ایفا می کند. این معیارها می توانند به سه گروه تقسیم شوند: آنهایی که به قابلیت دسترسی به منابع یا داراییهای موجود در محل سرمایه گذاری مربوط هستند. آنهایی که به اندازه بازار برای کالا و خدمات مربوطند و آنهایی که به هزینه تولید مربوط می شوند. هرچند عواملی که سرمایه گذاری را در مکانهای خاصی تشویق می کنند (مانند منابع طبیعی فراوان، بازارهای بزرگ کشور میزبان، یا پایین بودن هزینه ها، انعطاف پذیری نیروی کار) مهم هستند، اما اهمیت نسبی آنها به همان میزان که سازمانهای بین المللی با توجه به مفهوم جهانی شدن و آزادسازی اقتصادی بین الملل

سرمایه گذاری متقابل ۱۷۹۲ مورد از قراردادهای مالیاتی دو طرفه در جریان بود که فقط در آن سال، ۱۵۳ مورد از قراردادهای سرمایه گذاری و ۱۰۸ مورد از قراردادهای مالیاتی دو طرفه به پایان رسید. هر دو این قراردادها نقش رو به رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد بین الملل و تمایل کشورها جهت ایجاد تسهیلات بیشتر برای آن را منعکس می کند.

همان طور که کشورها به بهبود ساختارهای سیاسی مربوط به سرمایه گذاری مستقیم خارجی توجه می کنند، به منظور تشویق جریان ورودی سرمایه نیز به عواملی توجه می کنند که تجارت را آسان می سازد. این عوامل عبارتند از: تبلیغ سرمایه گذاری، مشوقهای سرمایه گذاری، خدمات بعد از سرمایه گذاری، و پیشرفت در اصلاحات و معیارهایی که هزینه مذاکرات تجاری را کاهش می دهند. با اینکه این عوامل افزایش یافته و پیچیده تر شده اند، اما بیشتر به سرمایه گذاری خصوصی و سرمایه گذاری در صنایع خاصی مربوط می شوند. خدمات بعد از سرمایه گذاری بسیار مهم هستند زیرا این خدمات می توانند موجب تشویق سرمایه گذاران موجود به سرمایه گذاری مجدد شود، سرمایه گذارانی که اگر از سرمایه گذاری خود راضی شوند، در مورد کشور میزبان تبلیغ کرده و موجب تحرک بیشتر

هر چه مستقل تر توسط بنگاههای وابسته خارجی هستند، تا استراتژیهای پیچیده ادغام و همچنین استراتژیهای ساده ادغام که مبتنی بر تعداد محدودی از زنجیرههای قوی در سطح تولید هستند شکل گرفتهاند و هر جا که ضرورت داشته باشد فرایند تولید را به وظایف یا فعالیتهای خاصی تقسیم کرده و هر کدام از آنها را در مکانی که از دیدگاه سیستم سازمان به عنوان یک کل مناسبترین مکان از نظر هزینه - اثربخشی است، شکل می دهد.

سازمانهای بین المللی که در جستجوی سرمایه گذاری هستند نه تنها فرض را بر وجود ساختارهای سیاسی پیشرفته برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی و امکانات تسهیل گر تجارت می گذارند بلکه به دنبال ترکیبی از کاهش هزینه ها، بازارهای وسیع و بسترهای مناسب تولید هستند که می تواند آنها را در حفظ موقعیت رقابتی شان کمک کند. بسترهای مناسب تولید شامل زیرساختارهای ارتباطات، شبکه های بازاریابی، تکنولوژی رقابت و قابلیت نوآوری است که برای توانمند کردن شرکتها در حفظ

معیارهای کشور میزبان:

۱ - ساختار سیاسی برای FDI

- ثبات اجتماعی سیاسی و اقتصادی
- قوانین مربوط به ورود و فعالیت
- استانداردهای برخورد با بنگاههای وابسته خارجی
- سیاستهای مربوط به عملکرد و ساختار بازارها (مخصوصاً رقابت و سیاستهایی که بر ادغام و تملک حاکم هستند)
- توافقات بین المللی ورود
- سیاستهای خصوصی سازی
- سیاستهای بازرگانی (موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای) و انسجام میان FDI و سیاستهای تجاری
- سیاستهای مالیاتی

۲ - معیارهای اقتصادی

- تسهیلات تجاری
- تشویق سرمایه گذاری (از جمله تلیفات و فعالیتهای مولد سرمایه گذاری و خدمات تسهیل گر آن)
- مشوقهای سرمایه گذاری
- هزینه های مذاکره (مربوط به انحلال و کارآیی مدیریتی)
- اصلاحات اجتماعی (برای مثال مدارس دوزبانه، کیفیت زندگی)

وضعیت رقابتی شان در دنیایی که سریعاً در حال تغییر است حیاتی هستند.

افزایش اهمیت چنین بسترهایی مهمترین تغییری است که ممکن است در میان معیارهای اقتصادی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهت آزادسازی و جهانی کردن اقتصاد اتفاق بیفتد. همچنین وضعیت جدید بیشتر به نفع اقتصادهای توده ای است که از تجمع فعالیتهای اقتصادی، قابلیت دسترسی به تسهیلات زیرساختاری و دستیابی به بازارهای منطقه ای و قیمت گذاری رقابتی منابع و تسهیلات مربوطه شکل گرفته اند.

مهمترین چالش برای کشورهای در حال توسعه ایجاد تحول مناسب و یا ترجیحاً ترکیب واحدی از عوامل موثر در تعیین محل سرمایه گذاری مستقیم خارجی و همچنین سازگار کردن آن عوامل با استراتژی سازمانهاست. سیاستهایی که در جهت تقویت کردن سیستم های ملی نوآوری موثر بوده و گسترش تکنولوژی را تشویق می کنند، از جمله سیاستهای اصلی هستند زیرا آنها پایه بسترهای مناسب تولیدی را

انواع FDI طبقه بندی شده برحسب انگیزه های شرکت

در جستجوی بازار

- اندازه بازار و بازده واحد سرمایه
- رشد بازار
- دستیابی به بازارهای جهانی و منطقه ای
- ترجیحات خاص مصرف کنندگان
- ساختار بازارها

در جستجوی منابع و دارایی

- مواد خام
- نیروی کار غیر ماهر ارزان
- تکنولوژی، نوآوری و سایر بسترهای مناسب تولیدی (برای مثال مارکهای تجاری)
- زیرساختارهای فیزیکی (بنادر، جاده ها نیروگاهها و ارتباطات راه دور)

در جستجوی کارآیی

- هزینه تحصیل منابع و دارایی های فوق، به منظور اصلاح بهره وری نیروی کار
- سایر هزینه های وارده، نظیر هزینه های انتقال و ارتباط بازار داخلی اقتصاد کشور میزبان
- کالاهای واسطه ای
- عضویت در یک ادغام منطقه ای
- شرایط مساعد جهت تاسیس شبکه ای از شرکت های منطقه ای

تشکیل می دهند. نتیجه گیری

با پی بردن به این مطلب که سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند در توسعه اقتصادی سهیم باشد، همه دولت ها می خواهند از آن استفاده کنند. در واقع بازار بین المللی برای چنین سرمایه گذاری هایی بسیار رقابتی است و مخصوصاً اینکه کشورهای در حال توسعه به این دلیل به دنبال چنین سرمایه گذاری هایی هستند که تلاشهای توسعه ای آنها را تسریع می کند. با عادی شدن نظامهای سیاسی اصلاح طلب و از بین رفتن برخی از قدرتهای سنتی آنها در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، دولت ها عملاً به معیارهایی که سرمایه گذاری مستقیم خارجی را تسهیل می سازد بیشتر توجه می کنند. با وجود این معیارهای اقتصادی نقش کلیدی را در سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایفا می کنند. آنچه که احتمالاً در آینده تعیین کننده تر خواهد بود عبارت است از ترکیب متمایزی از امتیازات محلی و مخصوصاً بسترهای مناسب تولیدی که یک کشور یا یک منطقه می تواند آنها را به طور بالقوه در اختیار سرمایه گذاران قرار دهد.

معیارهای اقتصادی مهم در کشور میزبان